



برای مطالعه آخرین
گفت وگویی سرهنگ
قاسم کریمی با
شهرآرامحله کد را
اسکن کنید.



سیزدهمین کتاب سرهنگ قاسم کریمی، رزمنده محله لشکر به چاپ رسید

۳۰ سال بعد، در «سنگر نوک»

۱۰



دیدار آشنا

● بازنگری و تجدید چاپ اولین کتاب

سرهنگ کریمی سال ۹۹ نوشتن این کتاب را شروع کرد اما چون در اثر یک سانحه تصادف با مشکلات متعدد جسمی مواجه شد، تألیف کتاب به تعویق افتاد و در نهایت امسال به مرحله نشر رسید.

او می‌گوید: محتوای این کتاب برگرفته از خاطرات علیرضا مولوی در رفت و آمد از کردستان به خراسان، گرمای جنوب و مجروحیت در سومار و فکه و... است.

به نظر کریمی برخی خاطرات این کتاب و دیگر کتاب‌هایش این قدر جذاب است که حتی قابلیت فیلم‌سازی را دارد. این بازنشسته ارتش توضیح می‌دهد: «سنگر نوک» که برای اسم کتاب انتخاب شده به معنی نزدیک‌ترین سنگر به دشمن است و برگرفته از موقعیت جغرافیایی خاطرات در عملیات هاست.

این کتاب در ۲۵۰ صفحه و تیراژ پانصد جلد توسط هیئت معارف جنگ شهید صیاد شیرازی منتشر شده است.

علاوه بر این، در هفته دفاع مقدس، اولین کتاب سرهنگ کریمی چاپ مجدد و در مسجد صاحب‌الزمان (عج) محله لشکر رونمایی شده است. او می‌گوید: در چاپ اول کتاب «گردان ۱۱۰» در نبرد هشت ساله، کم تجربه بودم و تصاویر آن طور که دلم می‌خواست، نبود. امسال آن را بازنگری و با عکس‌های جدیدی تجدید چاپ کردم، طوری که اکنون باب میل شده است.

به درجه جانبازی رسیده است، تعریف می‌کند: در زمان جنگ با علیرضا مولوی در یک گردان بودیم. بعد از اتمام جنگ، او به تهران رفت و من ساکن مشهد شدم. سی سال بعد، یعنی حدود سال ۹۹ مطلع شدم که علیرضا به مشهد آمده است. از طریق یکی از دوستان قراری با هم گذاشتیم و در پارک فلاحی ۳۸ یکدیگر را ملاقات کردیم.

در این دیدار سرهنگ متوجه می‌شود که علیرضا دفتر خاطراتی از زمان جنگ دارد. برحسب علاقه آن را می‌گیرد و مطالعه می‌کند. او می‌گوید: علیرضا قلم بسیار زیبایی دارد. در روایت‌هایش دیدم به زیبایی از وسط جبهه و جنگ، وارد مسائل خانوادگی شده است. به نظرم آمد می‌توان خاطراتش را تبدیل به کتاب کرد. این پیشنهاد را به او دادم و قبول کرد.



فهمیده شهری سال ۸۵ که سرهنگ قاسم کریمی بازنشسته شد، به نوشتن خاطرات زمان جنگ رو آورد و اولین کتابش را در همین سال با عنوان «گردان ۱۱۰» در نبرد هشت ساله، منتشر کرد. جناب سرهنگ تا خرداد سال ۱۴۰۰ که با او گفت و گو کردیم، دوازده جلد کتاب را به رشته تحریر درآورده و به چاپ رسانده بود.

حالا حدود ۲ هفته پیش، سیزدهمین کتابش با نام «سنگر نوک» به بازار آمد. به همین بهانه دوباره سراغ رزمنده محله لشکر رفتیم. رزمنده‌ای که با آغاز جنگ هشت ساله ایران و عراق، همراه هم‌زمانش در لشکر ۷۷ خراسان به مناطق غربی، سپس به جنوب کشور اعزام شد و تمام هشت سال را در جبهه بود. او طی این مدت، سمت فرماندهی دسته، فرماندهی گروهان و فرماندهی اطلاعات عملیات گردان را داشته است.

● کتابی از دل یک دیدار

وقتی نویسنده باشی، هر چیزی، جرقه‌ای است برای یک نوشتار جدید. درست مثل سرهنگ قاسم کریمی که بعد از دیدار با یک دوست قدیمی و دیدن دفتر خاطراتش، تصمیم گرفت آن را تبدیل به کتاب کند و نتیجه‌اش شد نوشتار کتاب «سنگر نوک» که همین چند روز پیش منتشر شد. او که در زمان جنگ دوبار مجروح شده و

دختر ورزشکار محله ولیعصر (عج) قهرمان مسابقات کشوری کاراته است

زینب و ۲۰ مدال قهرمانی

امید محله

● چه چیز تو را تا این حد مشتاق

حضور در باشگاه کرده است؟

اینکه الان مربی هنرهای تازه‌وارد هستم. از زمانی که کمربندابی می‌بستم، مربیگری را شروع کردم. استاد فریده فرهانی خیلی به من روحیه می‌داد و این وظیفه را به من سپرد. به همین دلیل بمب‌رو حیه هستم و در باشگاه احساس خوبی دارم.

● چرا برخی افراد فکر می‌کنند ورزش کاراته برای

بانوان مناسب نیست؟

چون در کاراته ضربات سنگین و مستقیم به بدن بانوان وارد می‌شود. برخی تصور می‌کنند بدن خانم‌ها تحمل این ضربات را ندارد و باعث آسیب‌های جدی به آن‌ها می‌شود.

● نظر خودت چیست؟

ورزش کاراته در خانم‌ها اعتماد به نفس ایجاد می‌کند و برخلاف ظاهر خشن این ورزش، جوانمردی، ادب، نظم و احترام به بزرگ‌تر را به آن‌ها می‌آموزد.

● تعداد مدال‌هایت ۲۰ است؛ درس‌هایت چطور؟

درسم هم خوب است؛ همه نمره‌هایم ۲۰ نیست ولی برای خانواده من اولویت درس و مشق است. به طوری که به من گفته‌اند اگر درسم افت کند، باید بی خیال باشگاه و ورزش شوم.

● برنامه‌ات برای آینده تحصیل و ورزش چیست؟

می‌خواهم درسم را در رشته تربیت بدنی ادامه دهم و در ورزش هم دوست دارم مربی کاراته شوم و دخترهای محله مان را آموزش دهم.

● در خانه ورزشکار دیگری هم دارید؟

راستش نه؛ پدر و مادر و دو برادر بزرگ‌تر از خودم شاغل هستند و یک خواهر کوچک‌تر دارم که محصل است. فقط من ورزشکار شدم.

● سخت‌ترین چالشی

که در کاراته با آن روبه‌رو شدی، چه بوده است؟

در این ورزش باید تمرینات مداوم داشته باشی، حداقل روزی سه ساعت. من علاوه بر باشگاه در خانه هم تمرین می‌کنم که آمادگی جسمانی خوبی برای مسابقات داشته باشم.



● اولین بار کی با کاراته آشنا شدی؟

نزدیک خانه مان باشگاه رزمی قرار دارد. برادر بزرگم به پدرم توصیه کرد که من را در باشگاه ثبت نام کنند. من هم خیلی به ورزش رزمی علاقه داشتم و از هفت سالگی در این باشگاه ثبت نام کردم.

● در این سال‌ها کدام رقابت بیشتر در ذهنت مانده است؟

من در طول این سال‌ها بیست مدال کسب کردم که نوزده مدال استانی بوده و یک مدال طلای کشوری. آن یک مدال هم برمی‌گردد به رقابت‌های کاراته بانوان کشوری سال گذشته که با شکست رقیبان، مدال طلا را به دست آوردم.

۹

رضاری‌ای در دل یک خانواده شش نفره، زینب با منش‌هایی پراز امید و اراده، راهی متفاوت و پرچالش را انتخاب کرده است. زینب تقدم که با خانواده‌اش در محله ولیعصر (عج) زندگی می‌کند، در هفت سال زندگی ورزشی و مبارزه، بیست مدال رنگارنگ استانی و کشوری کسب کرده است. خاطرات شیرین و سخت او در این مسیر، گواهی بر عزم راسخ او در جهانی دارد که زنان ورزشکار باید دیده شوند. زینب نه تنها قهرمان مدال‌ها، که قهرمان اراده و پشتکار است.